

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical	تاریخی
------------	--------

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

۲) نهضت مشروطیت در ترکیه :

دولت ترکان عثمانی که توسط «عثمان و جا نشینا نش» در قرن سیزدهم بنیانگذاری شد (۱۵۵۰) در قرن چهاردهم به بزرگترین امپراتوری جهان تبدیل گردید و ساحه مستعمراتش از آسیا تا مرزهای اروپا گسترش یافت. در وسط قرن پانزدهم (۱۴۵۳م) شهر قسطنطنیه مرکز روم شرقی که بعداً با نام استانبول مسمی شد، توسط سلطان محمد دوم فتح شد که این اولین کشور آسیایی است که قسمتی از خاکهای اروپا را تصاحب نمود. در آغاز قرن شانزدهم میلادی در اثر فعالیت های نظامی و استمرار توسعه جویی این امپراتوری تعدادی از ممالک عربی - عراق، سوریه، مصر و غیره شامل قلمرو او گردید. وسعت مملکت و کنترل شاهراه های مواصلاتی، شهرها و مراکز تجاری و فرهنگی به اعتبار دولت عثمانی افزود و در نتیجه ترکیه دارا لخلافت مسلمین جهان و سلاطین عثمانی، ملقب به خلیفه یا امیرالمؤمنین گردیدند.

تا اواخر قرن شانزدهم آن دولت سیر صعودی فتوحات و توسعه جویی را می پیمود، اما در قرن هفدهم این پیشروی متوقف و از قرن نوزدهم دوره انحطاط و انقراض آن آغاز می شد که بدون شک عوامل داخلی و خارجی در آن ذیدخل بود. مافعالاً بخاطر اختصار کلام از تشریح تمام عوامل اضمحلال آن دولت صرف نظر می نمایم و صرف بعضی از انگیزه های اساسی را که در فروپاشی امپراتوری مذکور نقش قابل ملاحظه داشت طور مختصر تذکر می دهیم :

در اروپا بعد از سپری شدن قرون وسطی دیگر گونیهای اقتصادی، اجتماعی و وقوع پیوستگی که ترکیه نه تنها نتوانست در دوران تسلط طولانی خود در جهان با آن همگام شود، بلکه از انتقال دست آورد های انقلاب های اروپا به ترکیه نیز جلوگیری نمود و مدت ها به حالت تجرد و انزوا به سر می برد، در حالیکه در شهرهای پر

در آمد صنعتی غرب داد و ستد دائماً رو به انکشاف بود و تولیدات در اثر رشد افزار ماشینی به سطح قابل ملاحظه ارتقای خود رسیده بود و دول اروپائی در عرصه های اقتصادی، صنعتی و نظامی پیشرفت های چشمگیر داشتند، ترك ها هیچ نوع « جذب و کشش » نسبت به آن همه تحولات جهانی از خود نشان نداده حالت تجرد را ترجیح دادند .

عامل دیگری در بی ثباتی و حتی اضمحلال امپراتوری عثمانی نقش داشت ، رشد روز افزون روسیه تزاری رقیب و همسایه شمال شرقی آن است که به صورت مستدام بر مستعمرات و متصرفات عثمانی فشار وارد میکرد و برای مدت طولانی جنگ ها به وقفه ها بین آنها مشتعل میگردید ، چنانچه این جنگ ها از سال ۱۷۳۰ تا ۱۹۱۴ هشت بار تکرار شد و در سال ۱۷۷۴ روسیه شبه جزیره کریمیا را از ترکیه متصرف شد و به این طور خود را به آبهای بسته بحیره سیاه رسانید . هکذا روسیه سخت تلاش داشت شهر قسطنطنیه را که از نظر سوق الجیشی خیلی پر اهمیت و مشرف به بحیره مدیترانه است تصرف نماید ، اما از انجائیکه دولت انگلیس از تسلط روسیه تزاری به بحیره مدیترانه و نزد یکیش به نیم قاره هند هراس داشت این مأمول برآورده نشد . بنا بر عوامل فوق الذکر امپراتوری عثمانی یا این «مرد بیماراروپا» (۵۶) در قرن نهم به تجزیه و انحطاط سوق داده شد . در اثر جنگ های دوامدار بین دولت های عثمانی و روسیه تزاری کنفرانس بین المللی با شرکت آلمان ، انگلستان و سایر دول اروپائی ذیدخل در قضیه ، در شهر برلین منعقد شد که بعداً این گردهمائی بنام «پیمان برلین» شهرت یافت و این پیمان در واقعیت امر به تجزیه رسمی دولت ترکیه عثمانی مهر صحنه گذاشت ، کشور های بالکان: بلغارستان ، صربستان ، رومانی و مونتنگرو از پیکر آن جدا شده دولت اطیش ایالات بوسنی و هرزگوین و دولت انگلستان جزیره قبرس را از ترکیه گرفتند (۵۷) سلاطین ترکیه عثمانی همیشه می کوشیدند تا از گسترش افکار دیموکراتیک و آزادی های غرب در داخل ترکیه جلوگیری نمایند و مردم را در غبار جهل ، نادانی و بی سوادی نگهدارند . اما تصادمات و جنگ های مکرر و شکست های پیهم ترکیه در برابر روسیه تزاری مخصوصاً جنگ های کریمیا و سواحل دریای دانیوب نشان داد که دولت ترکیه در مقایسه با روسیه تزاری در عرصه های نظامی سخت عقب مانده است . فلذا در صدد دفع این نقیضه برآمد . بناءً دولت به تشکیل يك اردوی قوی و عصری با ساز و برگ جدید نظامی دست زد، اما يك ترکیه قوی ، آزاد و متکی به خود صرف از طریق آوردن اصلاحات عمیق در تمام نهاد های دولتی میسر بود که این امر هم بدون گسترش افکار تازه سیاسی و کسب علم و فلسفه غربی امکان پذیر نبود که البته اخیراً لذکر به وسیله افسران جوان و مجهز با فنون تازه نظامی به ترکیه راه یافت . در این جایگاه نکته قابل ذکر است که سرنوشت آینده ترکیه راهمین اردورقم زد . در نصف دوم قرن نهم (۱۸۷۶) در قسطنطنیه جنبشهای مردمی به خاطر تدوین قانون اساسی جدید به راه انداخته شد و سلطان عبدالحمید هم نسبت احساس ضعف و ناتوانی در برابر درخواست مردم و تحریک و تشویق مدحت پاشاه جز تسلیمی چاره ای نداشت ، چنانچه قانون اساسی و پارلمان ترکیه در ۱۸۷۸ م افتتاح شد اما نسبت شورش بلغارستان و جنگ با روسیه و به اثر انتقادات نمایندگان از رژیم بر سر اقتدار پارلمان توسط سلطان عبدالحمید منحل و مشروطیت ناپایدار در هسته خنثا گردید ، مدحت پاشا از وظیفه برکنار و بقیه سران آن قسما" محبوس و قسما" معدوم گردیدند . (۵۸) اگرچه جنبش ظاهراً توسط سلطان عبدالحمید سرکوب گردید ، اما مبارزین و روشن فکران تا اوایل قرن بیستم به مساعی خود در جهت غربی ساختن ترکیه ادامه دادند ، چنانچه افسران ارتش به تشکیل « کمیته اتحاد و ترقی » پرداختند اعضای که خود را « ترکان جوان » می نامیدند پس از مدتی مبارزه هسته مخفی آنان توسط سلطان عبدالحمید دوم کشف شد ، عده از آنها زندانی و معدوم شدند و برخی دیگر به اروپا رفتند .

(۵۹) در اوایل قرن بیستم شدت این جنبشها به اوج خود رسید ه بود ، مبارزین خواهان قانون اساسی جدید و پارلمان بودند . اما باز هم در بین تقاضا کنندگان کسانیکه تجربه مبارزه و سازمان سیاسی منظم داشتند ؛ اردو بود . آنها حزب جدیدی بنام « حزب ترکیه جوان » و سازمان مخفی « کمیته اتحاد و ترقی » تشکیل دادند که قسمت عمده آنرا افسران نظامی تشکیل میداد و در سال ۱۹۰۸ م سلطان را مجبور ساختند که قانون اساسی سال ۱۸۷۸ م را که متروک شده بود به رسمیت بشناسد و مورد عمل قرار دهد و دولت مشروطه را اعلان نماید (۶۰) که این اقدامات تا حدود زیادی مورد استقبال مردم هم قرار گرفت زعیم و قهرمان این انقلاب مشروطه « انور بیگ » مشهور به « انور پاشاه » بود . مصطفی کمال مؤسس و بنیان گذار دولت ترکیه جدید نیز از جمله رهبران نهضت « ترکیه جوان » بوده که در سال ۱۹۲۳ بعد از ایجاد ترکیه جدید به حیث رئیس جمهور آن انتخاب شد . اما سلطان عبدالحمید بعد از استقرار دولت مشروطه در سال ۱۹۰۸ م نه تنها مانع تطبیق پلانیهای مشروطه خواهان میگردد ، بلکه قصد حمله را نیز علیه آنها تنظیم نموده بود . چون نهضت طلبان از سوء قصد او مطلع شدند در ۱۹۰۹ میلادی او را خلع و محمد پنجم را به جای او قرار دادند . (۶۱) بعد از این قدرت سیاسی به صورت واقعی آن به چنگ مشروطه خواهان افتاد و آنها هم بدون ضیاع وقت برای تطبیق پلانیهای اصلاحی و استحکام هر چه بیشتر نظام مشروطه مساعی جدیدی به خرج دادند .

با اختصار کلام ، با خلع سلطان حمید دوم عملاً قدرت به دست افسران مشروطه خواه افتاد ، ولی ترکیه در آنوقت با مشکلات عدیده اقتصادی ، سیاسی و نظامی مواجه بود : جنگ بالکان (۱۹۱۲) و جنگ عمومی اول (۱۹۱۴ م) مشاکل را مضاعف ساخت . اما پشتکار ، صداقت و وطن پرستی مشروطه خواهان بود که کشور ترکیه را از ورطه نیستی نجات و ترکیه نوین را با کاروان دول پیشرفته صنعتی جهان هم گام ساخت .

مصطفی کمال از همان بدو مرحله خواهان خلع سلطنت و خلافت در ترکیه بود ، ولی از آنجا نیکه جامعه ترکیه هنوز چنین تغییراتی را نمی پذیرفت در تطبیق پلانیهای خود حزم و احتیاط را مراعات می نمود . اما ترک در سال ۱۹۲۲ مجمع ملی را وادار ساخت تا سلطنت را ملغی سازد ، اما خلافت هنوز تا مدتی بر جای باقی بود که خلیفه آن عبدالحمید افندی نام داشت که مشارالیه صرف یک سمبول مذهبی بود و صلاحیت اجرای امور دولتی را نداشت . (۶۲) متعاقباً در سال ۱۹۲۳ رسماً جمهوریت ترکیه اعلان شد ، در سال ۱۹۲۴ م خلافت اسلامی که قبلاً در تاریخ جهان نقش مهمی را بازی کرده بود از صحنه برداشته شد ، خلیفه و دارالخلافت دیگر در ترکیه وجود خارجی نداشت و آن کشور را بعد از این به صفت یک دولت غیر مذهبی می شناختند (۶۳) اگرچه مسلمان های هند و مردم مصر به مصطفی کمال پیشنهاد کردند که شخصاً "در مقام خلافت قرار گیرد اما او این پیشنهاد را رد نمود و بقول نهرو که مینویسد : « او به سوی غرب می نگرست و میخواست هر چه زودتر کشوری غربی شود . او به کلی با فکر پان اسلام میزم یا وحدت دنیا اسلام مخالف بود و به جای آن به افکار تازه پان تورا نیزم یا وحدت نژاد ترک می اندیشید ، یعنی به جای افکار وسیعتر و جامعه بین المللی اسلامی ترجیح میداد که به جامعه متحد و پیوسته ترک که با رشته های ناسونا لیسم به هم پیوند یافته باشد ببیند .»

ما به صورت خیلی مختصر بعضی از اقدامات و اصلاحات مشروطه خواهان به زعمت مصطفی کمال را از کتاب « نگاهی بتاریخ جهان » اثر نهرو تلخیص نموده طور فهرست وار شامل این رساله می نمایم تا خواننده محترم شباهت های برنامه ریزی و جوامع سیاسی واجتماعی افغانستان و ترکیه آن زمان را بهتر مقایسه کرده بتواند :

(۱) سرکوب شورش کردستان که به زعم مصطفی کمال در عقب آن انگلیس ها قرار داشتند .

۲) محدود ساختن فعالیت های مذهبی که از آنها دشمنان برای تضعیف جمهوری سوء استفاده میکردند. بقول نهره: به این مناسبت قانونی به تصویب مجمع ملی رساند که به کار بردن وسایل مذهبی برای تحریک احساسات مردم چه در نطق ها و سخنرانی ها و چه به وسیله انتشارات چاپی خیانت بزرگ ملی تلقی میگردد و مستوجب شدیدترین مجازات خواهد شد. آموزش تعلیمات مذهبی نیز ممکن بود موجب کاهش احساس وفاداری نسبت به جمهوری شود، در مساجد ممنوع گردد.

۳) قلع و قمع تمام آنها نیکه مخالف سیاست مصطفی کمال بودند، محاکمه آنها در «دادگاه های استقلال» که در سراسر کشور فعال بودند صورت میگرفت و حتی مردان بزرگ و معروف مجمع ملی و ناسیونالیست های قدیمی که در مبارزات استقلال طلبانه همکاران اتاترک بودند از این تصفیه مصون نماندند.

۴) قیودات در پوشیدن لباس مخصوصاً ممنوعت از استعمال «کلاه فینه» که به سمبول ترکی ویا تا حدودی به نشانه مسلمان بودن تبدیل شده بود.

۵) انحلال تمام صومعه ها و خانه های مذهبی و ضبط اموال و املاک آنها به نفع دولت. درویش ها نیکه در این صومعه ها و از مدرک درآمد اوقاف آنها زندگی میکردند، ناچار گشتند برای ادامه زندگی خود به کار پردازند، حتی پوشیدن لباس مخصوص برای درویشان ممنوع گردید. قبل از این اقدام مدارس مذهبی اسلامی نیز منحل شده بود و به جای آنها مدارس عادی غیر مذهبی بوجود آمده بود... و در این مدارس نیز آموزش تعلیمات مذهبی ممنوع گشت. تغییرات اساسی و کلی در قوانین بوجود آمد. تا آن زمان در بسیاری از امور تعلیمات و مقررات، قرآن کریم و قوانین شریعت ملاک عمل بود؛ اما به دستور کمال پاشا قانون مدنی سوئیس، قانون جزائی ایتالیا و قانون بازرگانی آلمان ترجمه شده در ترکیه معمول گردید.

۶) تشویق و ترویج هنر های نقاشی، پیکرتراشی و مجسمه سازی.

۷) در مورد نهضت زنان باید گفته شود که کمال پاشا میخواست تا زنان از تمام قیودات قرون وسطایی و بند های کهن اجتماعی آزاد شوند. به این منظور يك «انجمن دفاع از حقوق زن» تشکیل و انواع مشاغل به آنها سپرده شد. چادر و حجاب نخستین چیزی بود که به شدت مورد حمله قرار گرفت و با سرعت نمایی از بین رفت.

۸) تعویض الفبای عربی به لاتین، قبلاً زبان ترکی به رسم الخط عربی نوشته می شد.

۹) کمال پاشا به مراقبت و نگهداری از کودکان خیلی توجه داشت، علاوه از تأسیس مدارس و مکاتب مدرن و عصری برای کودکان جهت ایجاد اعتماد به خود به تأسیس «هفته کودکان» پرداختند. بدین معنی که در هر سال يك هفته به جای ما مورین رسمی دولتی، کودکان به کارگمارده می شدند و در مدت يك هفته تمام کارهای حکومت و دولت به وسیله آنها انجام داده می شد.

۱۰) تغییر کوچک دیگر که توسط زمامداران ترکیه صورت گرفت تعویض طرز سلام و رسم و تعظیم سابق به شیوه اروپائی بود مانند بالا کردن کلاه ویا خم نمودن بدن.

۱۱) تصفیه زبان ترکی از کلمات خارجی در مرکز توجه مشروطه خواهان قرار داشت، چنانچه زبان قدیمی ترکی که پر از کلمات و جملات عربی و فارسی بود میتوانست برای زندگی پر شکوه و تجملات دربار امپراتوری عثمانی مناسب باشد؛ اما ظاهراً برای جمهوری جدید و خشن و نیرومند ترکیه مناسب نبود. بدین قرار کلمات ظریف ادبی از زبان ترکی کنار گذاشته شد و استادان و محققان به دهکده ها میرفتند تا زبان دهقانان دور افتاده را مطالعه کنند و بیاموزند و از آنجا کلمات تازه ترکی اصل و خالص را به دست آورند.

۱۲) مشروطه خواهان قانونی برای ادا ی آذان تدوین نمودند که طبق قانون جدید آذان اسلام می که دعوت مسلمانان برای نماز است می بایست به زبان ترکی گفته می شد ، اما این تغییر از نظر ملاها و متصدیان مساجد يك نوع بدعت در اسلام محسوب میگردد . بناءً این امر برای مدتی متنازع فیه بین دولت و مسؤلان مذهبی باقی ماند اما بعد ها آنها به شدت سرکوب گردیدند .

۱۳) مصطفی کمال به کشا ورزی اهمیت خاصی قایل بود و کشا ورزی را ستون فقرات ملت و ارتش می دانست . بدین ملحوظ برنامه های اصلاحی وضع و کوشش نمود با تشکیل شرکت های تعاونی و تهیه ترکتور و سایر افزار و ماشین های کشا ورزی سیستم زراعت را مدرن و عصری سازد .

طوریکه فهرست قوانین و مقررات کشور ترکیه دیده میشود اکثر پلان های اصلاحی عصر مشروطه افغانستان کاپی از پلان های آن دولت بود زیرا مشاورین تقنینی ترکی مسؤل لیت تدوین قوانین ما را به عهد داشتند . آنها بدون مطالعه شرایط خاص تاریخی ، مذهبی و قبیله یی کود از قبل تهیه شده را که با شرایط و اوضاع کشور ما هیچ سازگاری نداشت در غیاب يك ارتش مقتدرخواستند پیاده نمایند که این عمل در آینده خیلی نزدیک یکی از عوامل بروز تناقضات اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی در جامعه عصر سلطنت امانی گردید

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**